Strengthening the Research Apostolate of University Faculty Members in the Light of Disciplinary Responsibility; Sufficiency or Necessity of Must's and Must not's?

Seyed Abbas Seyedi Arani[1]

Assistant professor of law department and member of Kashan University , Kashan, Iran, abbas.seyedi@yahoo.com

Date Received : 2023/02/27
Date of correction: 2023/06/12
Date of Release : 2023/06/15

Abstract

If there is no reward system based on effort, no change will happen and this is a reality in the field of research whose regulations suffer from gaps, abstractions and conflicts. In this situation, it is difficult to distinguish between permissible and illegal behavior. A situation that unintentionally puts a faculty member staff in the trap of violation. Although it is necessary to explanation of instances of violation and the legal response to them, but of this action is the introduction of the existing situation. In order to achieve the desired situation, it is necessary to create conditions so that the faculty member can benefit from a fair trial. In determining the instance of violation, comprehensiveness is required a violation should not be excluded from the circle of instances and obstruction creates a situation so that permissible behavior is excluded from the circle of violation. The desired result is: faculty member will not be condemned for behavior that is not really a violation of professional rules. In the proceedings, the presence of a judge or juristic in the disciplinary jury improves the situation. Abolition of the right to file a lawsuit and also the removal of two criminal and disciplinary titles for single behavior eliminates discrimination. In the legal response, the application of the specific punishment system and the principle of proportionality are measures in order to achieve a fair trial. The result of such a system is motivating that should be welcomed. In the meantime, paying special attention to training and considering the underlying behavior as a violation creates an ideal situation. The implementation of these arrangements will make the university a valuable opportunity to provide the interests of the society in the field of research.

Key words: Education, Violation, Research, Prevention, Guarantee of disciplinary.

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

فصلنامه حقوق اداری

سال دهم، تابستان ۱۴۰۲، شماره ۳۵

مقاله علمی پژوهشی

تقویت رسالت پژوهشی عضو هیات علمی دانشگاه در پرتوی مسئولیت انتظامی؛ کفایت یا ضرورت بایدها و نبایدها؟

سیدعباس سیدی آرانی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

چکیده

اگر در سیستمی پاداش بر پایه تلاش پرداخت نشود، تحولی اتفاق نمی‌افتد و این واقعیتی است در حوزه پژوهش که مقررات آن از خلا، اجمال و تعارض رنج می‌برند. در این شرایط، تمایز میان رفتار مباح و خلاف دشوار است. وضعیتی که عضو هیات علمی را ناخواسته در دام تخلف می‌اندازد. هرچند تبیین مصادیق تخلف و واکنش حقوقی نسبت به آن‌ها لازم است، منتهی این اقدام معرفی وضعیت موجود است. به‌منظور دست‌یابی به وضعیت مطلوب لازم است شرایطی ایجاد شود تا عضو هیات علمی از دادرسی عادلانه بهره‌مند شود. در تعیین مصداق تخلف، جامعیت می‌طلبد تخلفی از دایره مصادیق خارج نشود و مانعیت وضعیتی ایجاد می‌کند تا رفتار مباح از دایره شمول تخلف خارج شود. نتیجه مطلوب است: هیات علمی برای رفتاری محکوم نمی‌شود که حقیقتا نقض قواعد حرفه‌ای نیست. در رسیدگی، حضور یک قاضی یا حقوقدان در هیات انتظامی وضعیت را بهبود می‌بخشد. اسقاط حق اقامه دعوی به دلیل شمول مرور زمان و نیز حذف دو عنوان کیفری و انتظامی برای رفتار واحد، تبعیض‌ها را از بین می‌برد. در واکنش حقوقی نیز اعمال نظام مجازات معین و اصل تناسب، اقداماتی است در راستای تحقق دادرسی عادلانه. ایجاد انگیزه، ره‌آورد چنین سیستمی است که باید از آن استقبال کرد. در این میان، توجه ویژه به آموزش و تخلف‌انگاری رفتار زمینه‌ساز تخلف وضعیتی آرمانی ایجاد می‌کند. اعمال این تمهیدات، دانشگاه را به فرصت ارزشمندی برای تامین منافع جامعه در حوزه پژوهش تبدیل می‌سازد.

واژگان کلیدی: آموزش، تخلف، پژوهش، پیشگیری، ضمانت اجرای انتظامی.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه کاشان؛ کاشان، ایران. abbas.seyedi@yahoo.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

مقدمه

پژوهش منبع زاینده علم است؛ منبعی که مدت‌هاست از مسائلی رنج می‌برد: ایستایی در علم نتیجه افزایش قابل توجه حجم آثار تقلبی و پدیده شوم فروش آثار پژوهشی است و ضرورت ریشه‌یابی در مقررات را نشان می‌دهد. رفع خلاهای قانونی که مسیر سوءاستفاده‌گران را هموار می‌سازد، بررسی دقیق و چاره‌جویی فوری را می‌طلبد. روشن‌گری در این زمینه مساله جهل و بی‌توجهی نسبت به مقررات را، به عنوان زمینه دیگر ارتکاب تخلف را ریشه‌کن می‌نماید. مرز باریک میان تخلف و رفتار مباح، اقتضا می‌کند تا تمایز موضوعات از یکدیگر نیز موضوع بحث باشد.

مطالعه وضعیت موجود بیانگر وجود خلا، اجمال و تعارض در مقررات حوزه پژوهش است؛ وضعیتی که از از تعیین مصداق تخلف تا قابلیت تجدیدنظر آراء را دربرمی‌گیرد. تعدد و پراکندگی مقررات، عضو هیات علمی را غافلگیر می‌کند. او نمی‌داند کدام رفتار وی تخلف محسوب می‌شود، مشمول چه قاعده‌ای است و چه مجازاتی انتظار وی را می‌کشد. عبارات کلی و بعضا مبهم موجود در مقررات نیز وضعیت را به مراتب دشوارتر می‌نماید. در حالی‌که وضع مقررات باید به نحوی باشد که مدلول آن‌ها به آسانی قابل درک باشد. (موذن‌زادگان، ۱۳۹۷: ۱۹۵)

مطالعه وضعیت موجود بیانگر وجود خلا، اجمال و تعارض در مقررات حوزه پژوهش است؛ وضعیتی که از از تعیین مصداق تخلف تا قابلیت تجدیدنظر آراء را دربر می‌گیرد. تعدد و پراکندگی مقررات، عضو هیات علمی را غافلگیر می‌کند. او نمی‌داند کدام رفتار وی تخلف محسوب می‌شود، مشمول چه قاعده‌ای است و چه مجازاتی انتظار وی را می‌کشد. در شرایطی که وضع مقررات باید به نحوی باشد که مدلول آن‌ها به آسانی قابل درک باشد (موذن‌زادگان، ۱۳۹۷: ۱۹۵)، عبارات کلی و بعضا مبهم موجود در مقررات نیز وضعیت را به مراتب دشوارتر می‌نماید.

نمی‌توان جهل به قانون ولو ناشی از فقدان نصّ معتبر، اجمال یا تعارض نصوص باشد را رافع مسئولیت دانست (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۱: ۱۹۶) زیرا فرض بر آگاهی از قانون است. (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۱۶۵) حتی به مقتضای نظم عمومی، نباید اثبات فرض خلاف آن ممکن باشد؛ زیرا پذیرش جهل به قانون به عنوان یک عامل رافع مسئولیت، جاهلان به قانون را در موقعیتی برتر از عالمان به آن قرار می‌دهد. (محقق داماد، ۱۴۰۱: ۴۵)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

مقررات حاکم بر موضوع پژوهش خاص و عام هستند: «قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور» در سال ۱۳۶۴[۱] و آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۶۵[۲] تصویب شد؛ مقرراتی که کلیه اعضای هیات علمی را در بر می‌گیرند[۳]، خواه تحت نظارت وزارت علوم یا بهداشت باشند. هم‌چنین با هدف پیشگیری از تقلب و استفاده از آثار متقلبانه، قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی در سال ۱۳۹۶[۴] و آیین‌نامه اجرایی آن در سال۱۳۹۸[۵] وضع شدند. وزارت علوم در سال۱۳۹۸، دستورالعمل ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی[۶] را ابلاغ نمود. این مقررات خاص امر پژوهش هستند. پیش از این، «قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸[۷]تصویب که با قانون «ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی، مصوب۱۳۵۲»[۸] تکمیل شد. در سال ۱۳۷۹ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای حمایت از این پدیده‌های نوظهور به تصویب رسید. مقررات اخیر حقوق عام حاکم بر پژوهش را تشکیل می‌دهند.

هرچند تاثیر اعمال مجازات بر کاهش تخلفات، غیرقابل انکار است منتهی به التهاب در محیط آموزشی منجر می‌شود. بهره‌مندی از تدابیر پیشگیرانه شرایطی را فراهم می‌کند تا امکان تخلف نباشد یا با وجود این امکان، اشخاص، دیگر تمایلی به انجام آن نداشته باشند. (محسنی، ۱۳۹۸: ۱۲۹) قطع به یقین، اعمال تدابیر پیشگیرانه، حلقه مفقوده امر پژوهش است. در این میان، نباید جایگاه مهم کارگروه اخلاق در پژوهش را نادیده گرفت؛ زیرا علاوه بر حق پیشنهاد مجازات انتظامی[۹]، نقشی پیشگیرانه ایفا می‌کند. عضویت رئیس دانشگاه و معاونان علمی وی در کارگروه موسسه تاییدی بر این ادعاست؛ کارگروهی که پس از بررسی تخلف پژوهشی و تقلب علمی به ترتیب مقرر در تبصره ۶ قانون ۱۳۹۶، ماده ۳ آیین‌نامه ۱۳۹۸ و دستورالعمل ۱۳۹۸، اتخاذ تصمیم و مراتب را به هیات انتظامی

---

۱. یاد شده از آن با قانون ۱۳۶۴.
۲. یاد شده از آن با آیین‌نامه ۱۳۶۵.
۳. مواد ۳۵ و ۳۸ همان.
۴. یاد شده از آن با قانون ۱۳۹۶.
۵. یاد شده از آن باآیین‌نامه ۱۳۹۸.
۶. یاد شده از آن با دستورالعمل ۱۳۹۸.
۷. یاد شده از آن با قانون ۱۳۴۸.
۸. یاد شده از آن با قانون ۱۳۵۲.
۹. بند ۶ ماده ۴ آیین‌نامه ۱۳۹۸.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

اعضای هیات علمی برای صدور حکم مقتضی ارسال می‌نماید. حضور معاونان علمی و حقوقی وزیر در کارگروه وزارتی[۱] اهمیت آن را به خوبی نشان می‌دهد.

می‌توان تمام مسائل این حوزه را در دو موضوع پیشگیری و واکنش حقوقی خلاصه کرد؛ با وجود امکان بررسی جداگانه، تاثیر یکی بر دیگری غیرقابل انکار است. البته از تبیین مصادیق تخلف به عنوان موضوع واکنش حقوقی معاف نیستیم. می‌توان با این اقدام چگونگی برخورد واضعان مقررات نسبت به مرتکب تخلف بررسی نمود. در تمام این حوزه‌ها، ابهامات و خلاهایی وجود دارند؛ برخی ابهامات حتی با وضعیت کنونی مقررات قابل رفع هستند (بخش نخست). منتهی، وضعیت مطلوب مستلزم وضع مقرراتی به ویژه به منظور رفع خلاهاست؛ نمیتوان در یک پژوهش به آسیب‌شناسی وضعیت موجود بسنده نمود و به جامعیت آن دل بست. برای نیل به وضعیت مطلوب، ارائه راهکار الزامی است (بخش دوم). مجازات کیفری موضوع اصلی چنین پژوهشی را تشکیل نمی‌دهد؛ زیرا مطلوب، آسیب‌شناسی واکنش حقوقی و ارائه راهکار است و در شکل‌گیری تخلف، به عنوان نقطه پرگار تمام استدلال‌ها، عنصر سوءنیت نقشی تعیین‌کننده ندارد.

۱. وضعیت موجود

برای شناخت وضعیت موجود، لازم است ابتدا مصادیق تخلفات پژوهشی و سپس چگونگی واکنش حقوقی نسبت به آن‌ها تبیین شود. در موضوع اخیر، مساله مهم، صلاحیت و محدودیت دادگاه انتظامی است. در این شرایط، تلاش‌ها برای رفع برخی ابهامات با تفسیر مقررات کنونی صورت می‌گیرد.

۱-۱. تخلفات پژوهشی؛ مصداق‌شناسی

برخی رفتارها، صرفا جنبه انتظامی و برخی دیگر، به دلیل اهمیت بیش‌تر جنبه کیفری نیز دارند.

۱-۱-۱. رفتارهای صرفا واجد جنبه انتظامی

مصادیق رفتارهای واجد جنبه انتظامی صرف، فراوانند و از پیش از ایجاد اثر، آغاز می‌شوند و تا پس از آن، گسترش می‌یابند.

---

۱. ماده ۲ آیین‌نامه به منظور سیاست‌گذاری و انجام اقدامات پیشگیرانه موضوع بندهای ۱ و ۲ تبصره ۷ قانون ۱۳۹۶.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

۱-۱-۱-۱- تخلفات پیش از ایجاد اثر

برای تولید اثر علمی دو مرحله وجود دارد و واضعان دستورالعمل مصادیق تخلفات پژوهشی مصوب ۱۳۹۳[۱]، هر دو مرحله را برای تخلف‌انگاری لحاظ نموده‌اند؛ نخستین مرحله، پیش از خلق اثر است که انگیزه پژوهش شکل می‌گیرد و نیاز آن شناسایی می‌شود. دومین مرحله در جریان خلق اثر است که انگیزه به صورت ملموس در اثر متبلور می‌شود. طیف گسترده تخلفات این مراحل از چشم تیزبین واضعان مقررات مخفی نمانده‌اند: از رفتارهای عینی و ملموس، هم‌چون نادیده گرفتن سلامت آزمودنی‌ها و افشای اسرار ایشان در جریان پژوهش[۲] تا تخلفات ذهنی و غیرملموس مانند نداشتن صلاحیت علمی عضو هیات علمی در موضوع[۳] به عنوان تخلف شناخته‌اند.

۲-۱-۱-۱. تخلفات پس از ایجاد اثر

اراده واضعان دستورالعمل برای افزایش هرچه بیش‌تر تخلف‌انگاری رفتارهای مغایر با اخلاق پژوهش، سبب شده تا برخی رفتارهای ارتکابی پس از ایجاد اثر نیز تخلف‌انگاری شوند. در این مسیر، ایشان، حتی خودسرقتی را تخلف دانسته تا این احتمال از بین برود که نویسنده با تغییر اندکی در داده‌های پیشین، مقاله جدیدی بنویسد[۴]. در واقع، مالک ایده علمی فقط در صورتی می‌تواند از آثار انتشار یافته خود بهره ببرد که به آن‌ها ارجاع دهد. (شاکری، ۱۳۹۲: ۶۶۲) دلیل در حقوق مادی ناشر برای چاپ هر اثر نهفته است. خاطرنشان می‌سازیم که حقوقدان چنین رفتاری را به‌دلیل فقدان ویژگی‌های مندرج در قانون مجازات، سرقت نمی‌دانند منتهی متخصص حوزه اخلاق پژوهش آن را تخلف محسوب می‌کند.

۲-۱-۱. رفتارهای واجد دو جنبه انتظامی و کیفری

قانونگذار برای برخی رفتارها که مرتکب به دلیل انجام آن‌ها تحت تعقیب انتظامی قرار می‌گیرد، در قوانین خاص یا عام، عنوان مجرمانه‌ای نیز درنظر گرفته است.

---

۱. یاد شده با دستورالعمل ۱۳۹۳.
۲. بند۳۰ همان.
۳. بند۱ و بند ۳۰ دستورالعمل ۱۳۹۳.
۴. بند ۵۰ و بند ۵۱ همان.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

۱-۲-۱-۱. مواردی که به موجب قوانین خاص جرم‌انگاری شده‌اند

حقوق هر شخص دارای فعالیت ذهنی و فکری مصطلح با عنوان «مالکیت فکری یا معنوی» (صفایی، ۱۴۰۰: ۳۲۳) همواره توسط قانونگذار به ویژه در قانون ۱۳۴۸ محترم شمرده شده است. تخلف از مقررات این قانون و تجاوز به حقوق مذکور، مجازات کیفری را به همراه خواهد داشت.[۱] جرایم موضوع این قانون واجد جنبه خصوصی هستند و با شکایت شاکی آغاز و گذشت شاکی می‌تواند منجر به خاتمه آن شوند.[۲] قانونگذار در قانون ۱۳۹۶ نیز صراحتا تهیه، عرضه یا واگذاری آثار به قصد انتفاع و به عنوان شغل و حرفه را جرم می‌داند. بدین ترتیب، مرتکبان سرقت علمی و سایه نویسی استحقاق مجازات را دارند.

انتساب عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار دیگران به خود یا غیر ولو به‌صورت ترجمه[۳] تحت عنوان سرقت علمی قابل تعقیب است. سرقت علمی، علاوه بر این‌که طیف وسیعی از تخلفات پژوهشی مذکور در بند ۳۳ دستورالعمل ۱۳۹۳ را در برمی‌گیرد، در قوانین خاص نیز جرم‌انگاری شده است. البته، این تخلف به شرط انتساب تمام یا قسمت قابل توجهی از اثر دیگری به نام خود نویسنده تحقق می‌یابد و نقل و بازنویسی بخش کوتاه و غیراصلی، سرقت علمی محسوب نمی‌شود. نمی‌توان سرقت علمی را از مصادیق سرقت مذکور در ق.م.ا دانست زیرا شیئی که مورد سرقت قرار می‌گیرد باید تجلی عینی داشته و مادی باشد و آن‌چه فاقد این ویژگی باشد مانند نتایج افکار موضوع سرقت مشمول قانون مجازات نیست. (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۱۲) هرچند در حقوق موضوعه، سرقت علمی به صورت عامدانه پذیرفته شده[۴]، منتهی هیات‌های انتظامی غیرعمدی بودن آن را ممکن می‌دانند؛ در مواردی مرتکب به مصادیق سرقت ادبی، علم و به علت مجازات، آگاهی ندارد. (شاکری، ۱۳۹۲: ۶۶۵)

در مواردی ممکن است شخصی (مشتری) با هدف دریافت اعتبار علمی، با قرارداد مالی از دیگری، نوشتن اثری را درخواست نماید بدون آن‌که نام نویسنده اصلی در اثر قید شود و خود به عنوان تنها مولف آن شناخته شود. رفتاری که به آن، سایه‌نویسی اطلاق می‌شود. علی‌رغم تشابه با سرقت علمی در مشخص نبودن نام نویسنده و نقض اخلاق و تمامیت علمی، نباید این دو مفهوم با یکدیگر اشتباه شوند. تفاوت‌ها مسیر تشخیص را هموار می‌کنند: سایه‌نویسی به نام و برای دیگری

---

۱. مواد ۲۳، ۲۴ و ۲۵ قانون ۱۳۴۸.
۲. ماده ۳۱ قانون ۱۳۴۸.
۳. تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹.
۴. همان.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

است و سرقت علمی، استفاده غیرمجاز از ایده‌ها، کلمات، تولیدات متعلق به دیگران بدون تایید منبع است.

۲-۲-۱-۱. موردی که به موجب قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده: جعل

برخی رفتارها نظیر ساختن داده‌ها، دستکاری مواد، وسایل و فرایند پژوهش یا تغییر و حذف داده‌ها و نتایج پژوهش به شکل تقلبی و دستکاری یا حذف عمدی کامل یا بخشی از داده‌های مورد استفاده در مطالعه و پژوهش به صورتی که با داده یا یافته‌های واقعی متفاوت باشد، به موجب دستورالعمل ۱۳۹۳ تخلف‌انگاری شده است. قانون مجازات اسلامی نیز آن را جرم می‌داند.[۱] جرمی که به صورت مادی یا مفادی تحقق می‌یابد. (میرکمالی و همکار، ۱۳۹۳؛ ۲۱۲)

جعل مادی با مخدوش شدن قسمت انشایی سند محقق می‌شود مانند آن‌که عضو هیات علمی اسامی اصلی یک اثر را مخدوش و آن را با نام جعلی و بدون اجازه منتشر نماید و یا برای اخذ امتیاز پژوهشی آن، با تراشیدن نام نویسنده اصلی، گواهی پذیرش را تغییر دهد.[۲] حال آن‌که در جعل مفادی، تنظیم‌کننده، ساخت یا تغییر سند را به دیگری نسبت نمی‌دهد، بلکه با سوءاستفاده از اختیارات قانونی یا قراردادی خویش و در مقام حکایت وقایع، اظهارات و امورغیرواقعی را در سند منعکس می‌کند مانند آن‌که نویسنده، اطلاعات و نتایج ساختگی را ارائه کند که درواقع هیچ اقدامی برای تهیه آن‌ها صورت نپذیرفته، اصلا وجود نداشته یا غیرواقعی باشند[۳] و یا داده‌های موجود را برای دستیابی به نتیجه مطلوب، تغییر دهد.

۲-۱. ضمانت اجرای انتظامی؛ صلاحیت و محدودیت مراجع ذی‌صلاح

جایگاه خاص و حفاظت از شئونات کلیه اعضای هیات علمی رسمی قطعی، آزمایشی، پیمانی و قراردادی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌طلبد تا قوانین خاصی حاکم باشد[۴] و مراجع ویژه‌ای صلاحیت رسیدگی به تخلفات انتظامی ایشان[۵] در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر داشته باشند. منتهی، محدودیت‌هایی، مسیر رسیدگی و صدور حکم را برای این مراجع ناهموارتر می‌سازند.

---

۱. ماده ۵۲۳.

۲. بند ۵۵ تا ۵۷ دستورالعمل۱۳۹۳.

۳. بند ۳۱ همان.

۴. ماده ۳۷ آیین‌نامه ۱۳۶۵.

۵. برگرفته از نظریه مشورتی اداره حقوقی در مورد دادگاه بدوی انتظامی سردفتران بشماره۷/۸۸۶ ۸۰/۱/۳۰ .

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

۱-۲-۱. در مرحله بدوی

برابر ماده ۱۱ آیین‌نامه ۱۳۶۵، هیات بدوی با اعلام تخلف توسط وزیر علوم یا بهداشت، بالاترین مقام مسئول دستگاه اجرایی، ریاست دانشگاه یا موسسه آموزش عالی یا دانشکده مستقل یا هر شخص حقیقی یا حقوقی، رسیدگی را آغاز می‌کند. از آن‌جایی که «هر شخص حقیقی یا حقوقی» مندرج در این مقرره، افراد مذکور در بندهای پیشین را در برمی‌گیرد، اقدام واضعان آیین‌نامه در تصریح به نام برخی از اشخاص مورد تایید نیست؛ «صدف کوچک مقررات» جایی برای تکرار ندارد. در هر صورت، مطالعه مقررات نشان می‌دهد هیات بدوی انتظامی در رسیدگی و صدور حکم با محدودیت روبروست.

۱-۱-۲-۱. تاثیر رسیدگی قضایی بر رسیدگی انتظامی

نظر به اراده قانونگذار، اگر هیات انتظامی بدوی بخواهد به رفتار ارتکابی عضو هیات علمی رسیدگی کند که واجد هر دو جنبه انتظامی و جزایی است باید منتظر تصمیم دادگاه قضایی بماند و پس از صدور رای می‌تواند رسیدگی به تخلف را آغاز نماید. البته به باور برخی، در صورتی که از هیات علمی شکایتی مطرح شود و مرجع اعلام‌کننده، خود به دو مرجع قضایی و انتظامی رفتار را گزارش دهد، لازم نیست هیات بدوی منتظر رسیدگی و تصمیم دادسرا بماند. منتهی در موردی که اعلام‌کننده مورد را به هیات انتظامی گزارش می‌دهد و این هیات با تشخیص این‌که رفتار ارتکابی علاوه بر تخلف، واجد وصف مجرمانه است، آن را به مرجع قضایی ارجاع می‌دهد، دیگر رسیدگی هیات بدوی انتظامی منوط به تصمیم‌گیری مرجع قضایی می‌گردد. (زراعت، ۱۴۰۰: ۴۹) در هرصورت، دادگاه انتظامی در صورت توقف دادرسی، باید تا زمان صدور رأی قطعی از سوی دادگاه کیفری صبر کند؛ اما در موارد اعتراض فوق‌العاده[۱]، نیازی نیست تا قاضی برای صدور رای کیفری منتظر بماند.

۲-۱-۲-۱. تأثیر حکم قضایی بر حکم انتظامی

اگر دعوایی در مرجع اداری در جریان باشد و حکمی از دادگاه کیفری ارائه شود که مؤثر بر دعوای اداری است، مرجع اداری باید به آن توجه کند و حق تصمیم‌گیری مغایر با آن را ندارد[۲]. البته نباید ارتباط و تاثیر رأی کیفری را با ارکان تخلف اداری نادیده انگاشت. (دهقان، ۱۳۹۷: ۱۴۶) برابر

۱. برای آرای قابل اعتراض فوق‌العاده رک ۳۶۸، ۴۲۶ و ۴۱۸ ق.آ.د.م.
۲. ماده ۱۳ قانون۱۳۶۴.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

ماده ۱۳ قانون ۱۳۶۴، «... حکم مرجع قضایی از جهت ارتکاب جرم عمومی برای هیئت انتظامی لازم‌الاتباع است...». از ظاهر این عبارت چنین استنباط می‌شود که مرجع اداری صرفا از یک جنبه باید از حکم قضایی تبعیت کند و آن «ارتکاب جرم» است؛ اگر بنابه نظر مرجع قضایی، جرمی ارتکاب یافته است، هیات انتظامی حق تصمیم‌گیری بر خلاف آن را ندارد. اما اگر شخصی در مرجع کیفری به دلیل شمول مرور زمان یا فقدان سوءنیت تبرئه شده باشد، در رسیدگی اداری موثر نیست. (زراعت، ۱۴۰۰: ۵۱) هم‌چنین است اگر شاکی از ادامه رسیدگی کیفری انصراف دهد؛ اقدامی که منجر به خاتمه رسیدگی کیفری می‌شود[۱]، منتهی به نظر می‌رسد امور انتظامی مشمول اصل غیرقابل گذشت بودن باشند؛ زیرا حقی غیرشخصی تضییع شده است؛ در این موضوع، متضرر، یک سازمان می‌باشد. به‌ویژه که مقررات مربوط به رسیدگی‌های انتظامی اعضای هیات علمی در این خصوص ساکت هستند.

۲-۲-۱. در مرحله تجدیدنظر

آرای صادره از هیات‌های بدوی در صورتی قابلیت اجرا دارند که قطعی شده باشند. برای قطعیت، رای اقدام در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عدالت اداری تعیین‌کننده است. البته عدم تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر رای را قطعی می‌سازد.

۱-۲-۲-۱. هیات تجدیدنظر انتظامی

حضوری بودن رسیدگی در هیات تجدیدنظر انتظامی ضروری است. غیابی بودن رسیدگی، هیات علمی را از ارائه دفاعیات، ادله و استدلال‌ها محروم می‌سازد. هرچند رسیدگی علنی، علاوه بر تضمین آگاهی مردم از چگونگی رسیدگی، امکان بازبینی میزان قانونمندی فرایند رسیدگی را فراهم می‌کند، (نیکوئی، ۱۳۸۵؛ ۲۲۲) منتهی در شرایط کنونی جامعه ایران که اصل برائت به خوبی نهادینه نشده است، غیرعلنی بودن محاکمات هیات علمی مورد تایید می‌باشد؛ علنی بودن رسیدگی ممکن است به شان اعضای هیات علمی خدشه وارد نماید.

هرچند قانونگذار در خصوص تجدیدنظرخواهی از احکام برائت هیات بدوی انتظامی سکوت کرده است، به‌نظر می‌رسد امکان تجدیدنظرخواهی از این آراء وجود ندارد: از قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده حقوقی استنباط نمی‌شود که می‌توان از احکام برائت

---

۱. ماده ۳۱ قانون ۱۳۴۸.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

قانون ۱۳۶۴ تجدیدنظرخواهی نمود. مضاف بر این‌که، هرچند در حوزه کیفری، دادستان به استناد وظایف خود یعنی دفاع از حقوق اشخاص و جامعه می‌تواند به آراء برائت صادره از مراجع قضایی اعتراض نماید منتهی به‌نظر می‌رسد به‌دلیل اختلاف ماهیت موجود میان حقوق کیفری و انتظامی نمی‌توان با وحدت ملاک حکم قضیه را تعمیم داد و احکام برائت صادره به نفع هیات علمی را قابل تجدیدنظر دانست. آرای هیات تجدیدنظر قطعی هستند و با دستور بالاترین مقام اجرایی دانشگاه یا موسسه مربوطه اجرا می‌شوند. البته برابر بند ۲ ماده ۱۰ ق.د.ع.ا رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیات‌های رسیدگی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

۲-۲-۲-۱. دیوان عدالت اداری

از آرای هیات‌های انتظامی می‌توان در شعب بدوی دیوان عدالت اداری به عنوان تنها مرجع عمومی اداری و در عین حال عالی‌ترین مرجع اداری اعتراض نمود. با توجه به منطوق و مدلول بند ۲ ماده ۱۰ ق.د.ع.ا آراء دادگاه‌های انتظامی عضو هیات علمی در تاریخ تقدیم دادخواست باید قطعی شده باشند تا بتوان از آن‌ها در دیوان شکایت نمود. البته اگر دادخواست به دلیل عدم قطعیت رای توسط دیوان رد شد مانع از آن نیست که پس از قطعیت یافتن آن مجددا دادخواستی به این مرجع عالی اداری تقدیم شود. آرای شعب بدوی دیوان، توسط یکی از طرفین قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان است. هرگاه شعبه تجدیدنظر دیوان، ایراد تجدیدنظرخواه را وارد تشخیص دهد، رای شعبه بدوی را نقض و پس از رسیدگی ماهوی مبادرت به صدور رای می‌نماید. رای شعبه تجدیدنظر قطعی است. بنابراین، قانونگذار رسیدگی ماهوی را برای دیوان به رسمیت شناخته است. (یاوری، ۱۳۹۳: ۲۶)

حال این پرسش زمینه طرح می‌یابد که آیا امکان اعتراض از احکام قطعی هیات بدوی انتظامی در دیوان عدالت اداری وجود دارد؟ شاید عدم ذکر عبارت «هیات بدوی انتظامی اعضای هیات علمی» در بند ۲ ماده ۱۰ ق.د.ع.ا بیانگر آن است که نمی‌توان از آرای قطعی هیات بدوی در دیوان اعتراض نمود. ما به این دیدگاه نمی‌پیوندیم؛ نخست این‌که، دیوان در رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرای قطعی و حمایت از حقوق مردم صلاحیت عام دارد. (سلیمی، ۱۳۸۳: ۱۳۵) پس مراجع مذکور در بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری جنبه تمثیلی دارند. (شمس، ۱۴۰۱: ۵۶) دوم این‌که، منظور از مراجع یادشده در مقرره، مراجع و دادگاه‌های واجد صلاحیت صدور رای هستند. پس آراء قطعی هیات‌های بدوی از مصادیق بارز این قانون محسوب می‌شوند. حکم هیات بدوی، در این موارد قطعی است:

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

هیات بدوی رای به احضار و اخطار شفاهی، اخطار کتبی و توبیخ با درج در پرونده[۱] داده و آن را ابلاغ نماید و از حکم هیات بدوی در مهلت تعیین شده، تجدیدنظرخواهی به عمل نیامده باشد[۲].

۲. وضعیت مطلوب

برای نیل به وضعیت مطلوب، لازم است مصادیقی از خلاهای موجود در مقررات تبیین شوند تا راهکار ارائه شده بتواند بیش‌ترین تاثیر را در رفع آن‌ها گذارد.

۱-۲. تعریف منطقی مصادیق تخلف

برای تحقق اهداف پیشگیرانه، لیست مصادیق تخلفات پژوهشی باید جامع افراد و مانع اغیار باشد. بدین معنی که مصادیق تخلف (معرِّف) باید با مفهوم تخلف(معرَّف) هم‌پوشانی کامل داشته باشند.

۱-۱-۲. جامعیت تعریف

علاوه بر ابهام موجود در برخی مصادیق تخلفات که دست مجریان را برای تفسیر و اعمال سلیقه‌ای مقررات باز می‌گذارد، مقررات مورد بحث فاقد جامعیت لازم هستند و از خلاء رنج می‌برند. درواقع، مطالعه دستورالعمل این واقعیت را نشان می‌دهد که برخی از رفتارهایی تخلف‌انگاری نشده‌اند که زمینه‌ساز تخلف هستند و نسبت به تاثیر تعارض منافع در ایجاد تخلف آن طور که باید، توجه نشده است.

۱-۱-۱-۲. اغماض از نقش پیشگیری

در مواردی امکان اعاده وضع به حالت سابق بسیار طولانی و هزینه‌بر است و چه بسا در مواردی امکان اعاده وجود نداشته باشد. (مولائی، ۱۳۹۸: ۲۷۸) در پیش‌گیری، وضع مقررات باید با چنان ظرافتی باشد که مانعی برای نیل به اهداف آرمانی ایجاد نکند. (نوربها، ۱۴۰۱: ۱۳۲) برای پیشگیری از ارتکاب تخلفات مناسب است رفتارهایی تخلف‌انگاری شوند که نادیده گرفتن آن‌ها مولد تخلفات بیش‌تری خواهند بود. بررسی مقررات نشان می‌دهد امر مهم آموزشِ پژوهش مغفول مانده است. به علاوه، ساز و کار پیش‌بینی شده برای پیشگیری از ظهور و بروز تخلف نیز ناقص و فاقد ضمانت اجرای لازم است.

---

۱. بندهای ۱ تا ۳ قانون ۱۳۶۴.

۲. ماده ۴ قانون ۱۳۶۴.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

آموزش و پژوهش «دو بال پرنده علم» هستند و این پرنده در نبود هر یک از آن‌ها به پرواز در نمی‌آید؛ فقدان هر یک از این دو بال، ممکن است دانشجو را به تقلب سوق دهد. با آموزش، روش پژوهش فراگرفته می‌شود و با پژوهش، آموزش منبعی زاینده می‌یابد. در راستای آموزش مربی خود باید روش تحقیق را بداند چرا که مُعطیِ شیء فاقد شی نمی‌شود. در غیر این صورت، چگونه می‌توان نگارش رساله را از دانشجویی انتظار داشت که روش تحقیق را نمی‌داند؟! در این شرایط، مناسب است عدم توجه به آموزش روش تحقیق تخلف‌انگاری شود.

رابطه میان استاد راهنما و دانشجو یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تحصیلات تکمیلی است. (شیربگی و همکار، ۱۳۹۱: ۲) دانشجو به دلیل توان علمی محدود به امید حمایت‌های علمی از استاد تبعیت می‌کند. اعتماد در این رابطه موضوعی آشنا به ذهن است. با وجود این، ممکن است استاد و دانشجو در مواردی بر یکدیگر تحمیل شوند؛ در این موارد، به دلیل متفاوت بودن زمینه تحقیقاتی استاد و دانشجو، استاد در سازماندهی، هدایت و پشتیبانی از دانشجو نقش کم‌رنگی ایفا می‌کند. با بررسی تخلفات در می‌یابیم که از مواردی چشم‌پوشی شده که نادیده گرفتن آن‌ها توسط استاد راهنما به تخلف می‌انجامد.

مضاف بر این‌که، عدم ایجاد انگیزش درونی در دانشجو، راهنمایی ناکافی و اختصاص زمانی ناچیز به وی نتیجه عدم الزام دانشجو برای نگارش مقاله، ولو علمی- ترویجی برای دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. سوای این‌که در برخی موارد، دانشجو نیز فرصت کافی و لازم را برای انجام پژوهش ندارد؛ در یک سیستم سالم، اشخاص زمانی می‌توانند به یک حرفه و تخصص دست یابند که دوره‌های تحصیلی لازم و کافی را گذرانده و دوره‌های کارآموزی مربوط به آن را با موفقیت پشت سر گذاشته باشند. در حالی که در یک سیستم معیوب، ایشان می‌توانند علی‌رغم نیاز به ادامه تحصیل به حرفه‌ای نائل شوند و در یک تخصص فعالیت نمایند. در این وضعیت، دغدغه‌های شغلی دانشجویان، تحصیلات و به‌ویژه نگارش رساله را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در ابزار و امکانات نیل به هدف نیز نواقصی وجود دارند؛ سامانه همانندجو سازوکاری است که در آن، سامانه تحت شبکه (وب) با دریافت متن از کاربر و مقایسه خودکار آن با متن کامل آثار موجود در پایگاه‌های داده و مدارک دارای دسترسی آزاد در شبکه(وب)، نوشته‌های همانند را بازیابی، میزان و منبع اطلاعات همانندی را نشان می‌دهد[۱]. هرچند هدف این سامانه پیشگیری از سرقت علمی بود،

۱. بند ۶ ماده۱ آیین‌نامه ۱۳۹۸.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

منتهی در دستیابی به چنین هدفی نتوانست موفقیت لازم را به دست آورد و این پدیده را ریشه‌کن نماید؛ علی‌رغم الزام قانونی دانشگاه‌ها به استفاده از آن در موقعیت‌های مورد نیاز[1]، هیچ ضمانت اجرایی برای امتناع از ثبت رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در این سامانه وجود ندارد. عدم ثبت پایان‌نامه در سامانه، امکان تطبیق سایر پایان‌نامه را از بین می‌برد. به عبارتی، در وضعیت موجود «کفه‌ای از میزان همانندجویی» وجود ندارد. ایراداتی به ساز و کار سامانه نیز وارد است: عبارات فنی ثابت در برخی رشته‌ها مانند فرمول‌ها موجب شباهت تصادفی می‌شود. از سویی، تشخیص سرقت علمی فقط در صورت کپی‌برداری کامل ممکن است و نمی‌توان در صورت بهره‌برداری از ایده (با بازنویسی متن) آن را تشخیص داد. نتیجه این‌که مسیر تقلب هم‌چنان برای سوءاستفاده‌گران این عرصه هموار است.

۲-۱-۱-۲. بی‌توجهی به مساله تعارض منافع

در مواردی دانشجوی دکتری به تعیین مشاور یا راهنمای دوم الزام می‌شود در حالی‌که هیچ ضرورتی به حضور ایشان در مراحل انجام رساله دکتری وجود ندارد. مناسب است چنین الزامی تخلف‌انگاری شود زیرا در مقاله الزامی مستخرج از رساله، نام استادی ذکر خواهد شد که در نوشتن رساله و استخراج مقاله هیچ مشارکتی نداشته است. وضعیتی که زمینه ارتقای سالیانه بدون بهره‌وری، تولید اثر و صرفا به دلیل عضویت در هیأت علمی را فراهم می‌کند.

باید تعارض منافع و نقش‌آفرینی استاد را در دو یا چند موقعیت و بازه زمانی درنظر گرفت: یک‌بار به عنوان داور و بار دیگر به عنوان راهنما. در مقام داوری، وی، حضور استاد راهنمای مقابل را برای داوری اثر تحت هدایت وی در آینده‌ای نه چندان دور پیش‌بینی می‌کند و ممکن است داوری اثر پیش رو را تحت تاثیر منافع آینده انجام دهد و تخلفات را نادیده بگیرد. موضوعی که از چشم تیزبین قانونگذار و واضعان آیین‌نامه مخفی مانده است. برای پیشگیری از تعارض منافع، به‌طور خاصی به داوری محرمانه و بهره‌مندی از داوران خارج از دانشگاه نظر داریم.

علی‌رغم پیش‌بینی ترتیب اسامی در مقالات مشترک در مقررات، به نظر می‌رسد واضعان مقررات، صرفا به ضرورت ذکر اسامی نظر داشته‌اند[2] و نه ترتیب ذکر آن. وضعیتی که گاه مساله‌ساز می‌شود. برای نمونه، ترتیب اسامی در مقالات مستخرج از رساله، در برخی امتیازدهی‌ها تاثیرگذار

---

۱. قانون ۱۳۹۶.

۲. رای شماره ۸۳۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۱ هیات عمومی دیوان عدالت اداری.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

است. هدر رفتن وقت و ناامیدی دانشجو از پژوهش[۱] نتیجه وضع مصوباتی است که دانشجو به دلیل نویسنده مسئول نبودن، امتیاز کمتری دریافت می‌نماید در حالی‌که رابطه‌ای میان کفایت علمی مقاله و ذکر نام استاد وجود ندارد. دیوان عدالت اداری نیز چنین مصوباتی۲ را ابطال می‌کند؛ الزام دانشجو به موجب دستورالعمل برای انتشار مقاله و ذکر نام استاد راهنما به عنوان نویسنده مسئول خارج از حدود اختیار بوده و چنین مصوباتی مستند به ماده ۱۲ ق.د.ع.ا توسط دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد؛ زیرا مقاله اثر حقوقی مستقلی است که دانشجو آن را پدید می‌آورد. مشاع دانستن اثر با ماده ۶ قانون ۱۳۴۸ مغایرت دارد. سکوت مقررات۳ در موضوع نویسنده مسئول، مبین جواز نویسنده مسئول تلقّی کردن استاد راهنما نیست و باید آن را در پرتو اصول کلّی مانند اصول عدم صلاحیت، برابری و منع تبعیض تفسیر کرد. به دلیل عدم تصریح قانون ۱۳۹۶ به چنین تکلیفی، چنین مصوباتی مستند به ماده ۱۲ ق.د.ع.ا محکوم به بطلان است.۴

البته پذیرش رای دیوان مفسده‌ای نیز به دنبال دارد: حذف نام استاد نظارت و نیز انگیزه وی برای دادن ایده‌های ناب به دانشجو را از بین می‌برد و دانشجو را در این مسیر سخت تنها می‌گذارد. مهم‌تر این‌که امر نظارت در مقابل امر دخالت اهمیت ناچیزی می‌یابد. در این وضعیت، بخشی از یک سیستم، در تعارض با بخش دیگری قرار می‌گیرد؛ از یک‌سو فشار فزاینده‌ای بر عضو هیات علمی برای انتشار تعداد مشخصی مقاله[۵] وجود دارد و از سوی دیگر، علی‌رغم نظارت بر تمام مراحل یک پژوهش، وی حقی مبنی بر نویسنده بودن ندارد. نتیجه مشخص است: نظارت کافی اعمال نخواهد شد؛ جامعه تاوان آن را خواهد پرداخت. البته ضرورت تبعیت از رای دیوان، نافی مشترک بودن اثر میان دانشجو و تیم راهنما، به‌دلیل آورده‌های علمی استاد و سهم واقعی وی در هدایت نتایج تحقیق نیست.

---

۱. رک آرای شماره ۱۲۸۶ ۹/۱۰/۱۳۹۹ و ۸۳۹ ۱/۵/۱۳۹۸ هیات عمومی دیوان عدالت اداری.

۲. دستورالعمل اعلام کفایت دستاوردهای پژوهشی دانشجویان دکتری مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱ دانشگاه شهید بهشتی.

۳. رک ماده ۱۹ آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی.

۴. رای هیات عمومی دیوان– شهید بهشتی: بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ ق.د.ع.ا.

۵. بند ۱۰ ماده ۳ آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های آموزش عالی، پژوهشی و فناوری دولتی و غیردولتی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

۲-۱-۲. مانعیت تعریف

در موضوع مصادیق تخلفات، مقررات از مانعیت لازم بی‌بهره هستند. با وجود این، در موارد تردید در تخلف بودن یک رفتار، باید فرض را بر عدم گذاشت چرا که اصل بر اباحه است. (محقق داماد، همان: ۶۵) به عبارتی، چنان‌چه با بررسی، دلیلی بر تخلف یافت نشود، رفتار ارتکابی هیات علمی، تخلف نیست.

۱-۲-۱-۲. ضرورت کاهش برخی از مصادیق

به موجب اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اختیار جرم‌انگاری و تعیین مجازات صرفا به قانونگذار تعلق دارد. (نجفی ابرندآبادی و همکار، ۱۳۹۷: ۳۵) که نماینده جامعه‌ای است که براساس یک قرارداد اجتماعی شکل می‌گیرد. (بکاریا، ۱۴۰۰: ۳۴۱)[۱] مقررات دیگر نباید حقوق و آزادی‌های مردم را محدود نماید. (اردبیلی، ۱۴۰۱؛ ۱۴۲)[۲] با وجود این، در مواردی این اصل در موضوع پژوهش نقض شده است. برای نمونه، علی‌رغم جرم‌انگاری تخطی دانشجویان از منش دانشجویی و ارتکاب تخلف علمی مانند جعل، در حین تحصیل یا انجام پژوهش در ق.م.ا، شورای عالی برنامه‌ریزی بار دیگر آن‌ها را در مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی جرم دانسته است؛ وضعیتی که با اصول۵۶، ۵۸، ۷۱ و ۸۵، ۱۵۶ و ۱۵۹ مغایرت دارد و مصداق بارز خروج از صلاحیت دستگاه اجرایی است. در این شرایط باید از آرای دیوان عدالت اداری استقبال نمود که رای به ابطال چنین مصوباتی می‌دهند[۳]؛ به دلیل خروج موضوعی تخلفات دانشجویی از این پژوهش به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

در مواردی واضعان مصوبات دانشگاهی اصول حاکم بر حقوق مادی و معنوی پدید آورنده را نیز در تعیین مصداق تخلفات پژوهشی نادیده گرفته‌اند. قانون ۱۳۴۸ از حقوق مادی آثاری حمایت می‌کند که برای نخستین بار در ایران انتشار یافته‌اند[۴]. بنابراین، آثاری که برای نخستین بار در خارج از کشور چاپ، پخش، نشر یا اجرا شده باشد، مورد حمایت این قانون نیست. به عبارتی، می‌توان از این گونه آثار در ایران، حتی بدون اجازه پدیدآورنده بهره برداری کرد. البته قانون ۱۳۵۲ این اختیار را محدود کرده است. از مقررات این قانون استنباط می‌گردد در خصوص تکثیر کتب، نشریات و آثار

---

۱. اصلی که در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه نیز خودنمایی می‌کند.
۲. اصل ۱۷۱ قانون اساسی.
۳. رای شماره ۴۹۱ دیوان عدالت اداری.
۴. ماده ۲۲ قانون قانون ۱۳۴۸.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

صوتی، حمایت این قانون به اتباع ایران و آثاری اختصاص ندارد که برای نخستین بار در ایران منتشر شده‌اند و بیگانگان نیز، اگرچه آثارشان برای نخستین بار در خارج منتشر شده باشد، به شرط رفتار متقابل، می‌توانند از حمایت قانون برخوردار شوند.[۱]

اما به نظر می رسد ترجمه کتب و نوشته‌هایی که برای نخستین بار در خارج ایران منتشر شده‌اند، هم‌چنان مشمول حمایت قانونی نباشد، به این دلیل ساده که قانون ۱۳۵۲ در این مورد تصریحی ندارد. بنابراین، می‌توان گفت انتشار ترجمه آن‌ها در ایران حتی بدون اجازه پدیدآورنده مجاز است. این در حالی است که دستورالعمل ۱۳۹۳، ترجمه آثار به صورت مطلق (فارغ از شرط چاپ در ایران برای نخستین بار) را تخلف می‌داند.[۲] این در شرایطی است که در سلسله مراتب، آیین‌نامه یا دستورالعمل نمی‌تواند حکمی خلاف قانون دهد.

حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیستند، با مرور زمان ساقط نمی‌شوند و به دلیل ارتباط با شخصیت، قابل انتقال با قرارداد نیستند.[۳] بنابراین، مصوباتی که دانشجو را ملزم به انتقال حقوق معنوی به دانشگاه می‌نمایند[۴] محکوم به بطلان هستند. فایده‌ای نیز بر این انتقال مترتب نیست. عدم امکان قانونی انتقال حق افشاء، حق انتساب و حق تمامیت اثر به عنوان حقوق معنوی پدیدآورنده مثبت این ادعاست.

۲-۲-۱-۲. مناسبت کاهش برخی از مصادیق

در قوانین موضوعه[۵]، اصل عدم حمایت از ایده مطرح است و دکترین صرف استفاده از ایده دیگری را از منظر قانون ۱۳۴۸ قابل حمایت نمی‌دانند (صفایی، ۱۴۰۰: ۲۱۳) منتهی واضعان دستورالعمل آن را تخلف تلقی می‌نمایند. شاید گفته شود که قانون ۱۳۴۸ از باب مدنی و کیفری آن را قابل تعقیب نمی‌داند نه از باب انتظامی؛ ما هم عقیده نیستیم؛ حمایت از ایده و اعطای حقوق انحصاری به ایده-پردازان از اشاعه علم جلوگیری خواهد نمود و ایده‌ها به همان حالت مجمل، باقی خواهند ماند. زیرا

---

۱. مواد ۲، ۳ و ۶ قانون ۱۳۵۲.

۲. بند ۳۳ دستورالعمل ۱۳۹۳.

۳. ماده ۴ قانون ۱۳۴۸.

۴. تبصره ۱ ماده ۱۱ شیوه نامه نظارت بر اجرای دوره دکترای آموزشی ـ پژوهشی مصوب سال ۱۳۹۴ دانشگاه علامه طباطبائی.

۵. ماده ۱ قانون ۱۳۴۸، بصره۲ ماده۲ آیین‌نامه اجرایی مواد۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب۱۳۷۹.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

شخص دیگری نمی‌تواند آن را به مرحله کاربردی برساند. در این صورت جامعه متضرر می‌شود. (میرشمسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶) البته شرط حمایت از یک اثر، ثبت آن نیست[۱]. پس بهره‌مندی دو نویسنده از ایده واحد برای ایجاد دو اثر مستقل به شرط استفاده از عبارات متفاوت، تاثیری در اصالت هر اثر ندارد. قانونگذار از اثری حمایت می‌کند که اصیل باشد؛ از دانش، هنر، یا ابتکار پدیدآورنده ایجاد شده و شخصیت پدیدآورنده در آن متجلی است.[۲]

هرچند امکان جمع مسئولیت مدنی و انتظامی بدیهی می‌نماید، تردیدهایی در مورد امکان جمع مسئولیت انتظامی و کیفری وجود دارند. برابر اصول کلی، هر رفتار صرفا یک جنبه کیفری یا انتظامی دارد. در فقه باب مستقلی در مورد مسئولیت انتظامی وجود ندارد هرچند می‌توان با تدقیق در منابع فقهی وجود این مسئولیت را استنباط نمود. در این شرایط، دستورالعمل ۱۳۹۳ به دلیل لحاظ دو وصف کیفری و انتظامی برای یک رفتار مانعیت لازم را ندارد.

مرجع قضایی ممکن است بر محکومیت عضو هیات علمی رای دهد. در این صورت، نباید به تخلف انتسابی احتمالی در دادگاه انتظامی رسیدگی شود. این ادعا مستظهر به دلایلی است: نباید بابت فعل واحد، مجازات مضاعف اعمال شود و قوانین کیفری نیز به صورت موسع تفسیر گردند بلکه تفسیر باید مضیق و به نفع متهم باشد.

با وجود این، قاعده اعمال یک مجازات برای یک جرم در برخی موارد به این دلیل رعایت نمی‌شود که رفتار واجد دو جنبه جزایی و اداری است و مرتکب هم تحت تعقیب انتظامی و هم تعقیب کیفری قرار گیرد. این قاعده در خصوص کیفرهای انتظامی به صورت مستقل قابل اجراست (نکوئی، ۱۴۰۰: ۲۰۸).

مجازات کیفری و اداری مندرج در قانون ۱۳۶۴ مانعه‌الجمع نیستند. هیات جرایم را به مرجع قضایی ارجاع می‌دهد.[۳] در صورت یکسان بودن حکم هر دو مرجع، فقط مجازات کیفری اعمال می‌شود.[۴] این وضعیت، از منظر قواعد حقوقی محل ایراد است: اگر مرجع قضایی مجازات عمل ارتکابی را جزای نقدی بداند و مرجع اداری، ضمانت اجرای کسر حقوق را در نظر گرفته باشد، برابر اصول کلی حقوقی باید هر دو مجازات اعمال شوند، در حالی که تبصره ماده ۱۳ قانون ۱۳۶۴ چنین

---

۱. ماده ۲۱ قانون ۱۳۴۸.
۲. مواد ۱ و ۲ قانون ۱۳۴۸.
۳. ماده ۱۳ قانون ۱۳۶۴.
۴. تبصره ماده ۱۳ قانون ۱۳۶۴.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

اجازه‌ای نمی‌دهد. (زراعت، ۱۴۰۰: ۵۱) و مجازات را قابل تکرار نمی‌داند. اعمال هم‌زمان این دو مجازات برخلاف اصل مذکور است و باید پذیرفت که این مجازات‌ها قابل جمع هستند (اصل) و تنها در موارد یکسان بودن مجازات تعیینی، می‌توان یک مجازات را اعمال نمود (استثنا). لازم است این اصل دگرگون شود.

در خصوص اعمال مجازات تخلفات واجد وصف مجرمانه در مقررات سردرگمی‌ها و ابهاماتی وجود دارد؛ از یک‌سو، در تخلفات واجد وصف مجرمانه اعضای هیات علمی حکم به تجمیع مجازات انتظامی و کیفری داده شده و از سوی دیگر تجمیع مجازات انتظامی و کیفری رفتارهای واجد وصف مجرمانه ماموران نیروی انتظامی، ممنوع است[۱]؛ این نوع تعارضات با عدالت هم‌خوانی ندارد.

۲-۲. رسیدگی عادلانه به مصادیق تخلف

در برخی موارد، نمی‌توان به رسیدگی عادلانه به تخلفات پژوهشی اعضای هیات علمی در هیات‌های انتظامی دل خوش نمود. وضعیتی که خاطر عدالت را شاد نمی‌کند.

۱-۲-۲. شروع رسیدگی؛ ضرورت پیش‌بینی مرور زمان اسقاط دعوی

فلسفه وجودی مرور زمان پرهیز از رسیدگی به دعاوی سالبه به انتفای موضوع شده، است. وجود مرور زمان در فقه اسلامی مورد اختلاف است.[۲] البته تردیدی در مرور زمان در امور انتظامی وجود ندارد. به تشخیص شورای نگهبان مرور زمان تعقیب انتظامی قاضی[۳] و پزشک[۴] خلاف شرع نیست.[۵] عدم پیش‌بینی مرور زمان تعقیب انتظامی اعضای هیات علمی، اقامه دعوی با وجود گذشت زمان طولانی و حتی بازنشسته شدن هیات علمی را ممکن می‌سازد؛ وضعیتی که مطلوب نیست.

۲-۲-۲. جریان رسیدگی؛ ضرورت دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه، تضمینات کلی مانند استقلال مراجع رسیدگی هستند که به منظور رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی پیش‌بینی شده‌اند. دقت در مقررات نقض آشکار اصل استقلال و بی‌طرفی

---

۱. تبصره ۱ ماده ۱۲۴ قانون استخدام نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۲.

۲. برای مخالفان رک به القواعدالفقهیه نوشته مرحوم صدوق، و برای موافقان رک به مصاحبه دکتر شهیدی.

۳. ماده ۳۱ قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۱۳۴۷.

۴. ماده ۶۱ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مصوب ۱۳۷۸.

۵. در خصوص مرور زمان وکالت رک ماده ۵۴ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و سردفتر رک به ماده ۴۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

را نمایان می‌سازد. عدم انتخاب اعضای هیات بدوی توسط یک نهاد بی‌طرف یکی از این موارد است: اعضای هیات تجدیدنظر توسط وزیر علوم و اعضای هیات بدوی توسط رییس دانشگاه تعیین می‌شوند. در این شرایط، عضو هیات علمی می‌تواند در موارد طرح شکایت توسط دانشگاه به تصمیم هیات تجدیدنظر دل‌خوش و در صورت طرح شکایت توسط وزارت، هیات علمی می‌تواند به رسیدگی در هیات بدوی امیدوار باشد. رعایت اصل تناسب بین تخلف و مجازات، عدم تشدید مجازات پس از رسیدگی مجدد و عدم اعمال بیش از یک مجازات از اصول دیگر دادرسی عادلانه‌ای هستند که در رابطه با اعمال مجازات‌های اداری تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند: نقض هر یک از این اصول موجب نقض رای در دیوان می‌شود. (نکویی، همان: ۲۰۸)

ماده ۵ قانون ۱۳۶۴ شرایط یکسانی را برای اعضای هیات بدوی و تجدیدنظر لحاظ نموده و از این حیث قابل ایراد است؛ زیرا اصولا عضویت و انتصاب در مراجع تجدیدنظر نسبت به مراجع بدوی دشواری بیش‌تری را می‌طلبد. سوای این‌که، با وجود پیش‌بینی قاضی در برخی دادگاه‌های انتظامی[۱]، الزامی نبودن حضور قاضی و حتی حقوقدان در هیات‌های انتظامی به ویژه هیات تجدیدنظر وضعیت را بدتر می‌کند. ضرورت عادلانه بودن دادرسی و پیچیدگی مسائل حقوقی اقتضای دیگری دارد. دشواری تشخیص مقررات حاکم به دلیل تعدد قوانین حاکم و پراکندگی مقررات مربوط به تخلفات و مجازات‌ها مستلزم نقش‌آفرینی عضو حقوقدان برای صدور آرای مستند و مستدل است. در شرایطی که امکان اعتراض از آرای هیات تجدیدنظر در دیوان عدالت اداری وجود دارد، حداقل باید عضو حقوقدان را به عنوان عضو اداری در این هیات‌ها به رسمیت شناخت.[۲] در این صورت، عدم حضور وی مانع از صدور رای نیست.

در شرایطی که حکم، به عنوان ماحصل و خروجی یک دادرسی عادلانه محسوب می‌شود، رئیس دانشگاه و یا مؤسسه آموزش عالی به ناروا اختیار اعمال مجازات‌های احضار و اخطار شفاهی، اخطار و توبیخ کتبی[۳] را دارد و احکامی که توسط ایشان صادر می‌شود نیز قطعی هستند زیرا برابر ماده ۹ قانون ۱۳۶۴، فقط مجازات‌های بند ۴ به بعد ماده ۸ این قانون قابلیت تجدیدنظرخواهی دارند.

---

۱. ر.ک ماده ۳۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران و تبصره ۲ ماده ۶ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲.

۲. استدلال برگرفته از نظریه اداره کل حقوقی در خصوص سردفتر به شماره ۷/ ۸۰/۱/۳۰.

۳. به ترتیب بندهای ۱ ، ۲ و ۳ ماده ۸ قانون ۱۳۶۴.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

۳-۲. سازماندهی نظام واکنش حقوقی

در نظام واکنش حقوقی، ضرورت تعیین دقیق ضمانت اجرا و تناسب آن با تخلف خودنمایی می‌کند.

۱-۳-۲. ضرورت متناسب بودن ضمانت اجرای انتظامی

ایجاد تناسب میان جرم و مجازات از طرق تقنینی و قضایی امکان‌پذیر است. مرجع رسیدگی‌کننده با توجه به معیارهای ارائه شده در قانون(تناسب تقنینی)، به صلاحدید خود مجازات متناسب را اعمال می‌کند (تناسب قضایی).

اصل تناسب در خصوص مجازات انتظامی تخلفات پژوهشی رعایت نشده است: اختیار هیات‌های رسیدگی به تخلفات انتظامی با اصول کلی حقوق و اصول دادرسی منصفانه مغایرت دارد و مورد تایید رویه قضایی نیست[۱]؛ هیات می‌تواند برای تخلفی سبک، مجازاتی سنگین درنظر گیرد و مرتکب تخلف سنگین را به مجازاتی سبک محکوم نماید. تعیین مجازات هر تخلف در قانون ۱۳۶۴ ضروری است وگرنه دست قاضی برای اعمال سلیقه‌ای در تعیین حداقل و حداکثر مجازات‌ها باز است و اصل تناسب نقض می‌شود. (نکوئی، ۱۳۹۹: ۲۵۵) اصل بر برائت است و تا زمان اثبات تخلف توسط مقام تعقیب‌کننده، تعقیب منتفی است. حضور قاضی در هیات تا حد قابل توجهی خلا ابهام در قوانین و نبود اصل تناسب را پر می‌کند.

۲-۳-۲. ضرورت معین بودن ضمانت اجرای انتظامی

به‌طور کلی نظام تعیین مجازات یا معین است یا غیرمعین. در مورد نخست، در هر مقرره، پس از تعریف جرم، مجازات آن ذکر و در مجازات غیرمعین، در یک مقرره جرایم و شرایط آن و در مقرره دیگری مجازات بیان می‌شود. (مهرا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵) قانونگذار با پذیرش رویکرد اخیر در قانون ۱۳۶۴، در ماده ۷ مصادیق و در ماده ۸ آن، مجازات‌ها را ذکر نموده است.

وضعیت در تخلفات پژوهشی و ضمانت‌اجراهای مرتبط با آن‌ها بغرنج‌تر است؛ ضمانت اجرای برخی رفتارها در قانون ۱۳۹۶ مشخص شده[۲] و همین قانون برخی از تخلفات مذکور در تبصره ۶ آن را به قانون ۱۳۶۴ برای تعیین ضمانت‌اجرا ارجاع می‌دهد. شگفت‌آورتر این‌که برابر دستورالعمل

---

۱. رای تجدیدنظر به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۲۲۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۰.

۲. مجازات‌های سلب هرگونه امتیاز مادی و یا معنوی و ملغی‌الاثر نمودن هرگونه مدرک تحصیلی، پایه، مرتبه و یا عناوین مشابه علمی را برای عضو هیات علمی در نظر گرفته است که از آثار متقلبانه موضوع قانون۱۳۹۶ استفاده می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

۱۳۹۸، تخلفات پژوهشی مندرج در دستورالعمل ۱۳۹۳ کماکان به اعتبار خود باقی هستند. در واقع، برابر ماده ۱۷ این دستورالعمل، «در اجرای تبصره ۲ و ۳ آیین‌نامه اجرایی ... شرح وظایف گروه‌های موضوع دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی بشماره ۲۴۵۶۰۲/ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ کارگروه‌های اخلاق در پژوهش موسسه موضوع بخش دوم این دستورالعمل واگذار می‌گردد». در شرایطی که یکی از وظایف مهم گروه‌های یادشده تطبیق ضمانت اجراهای انتظامی با تخلفات پژوهشی پیوست این دستورالعمل است، باید مصادیق مذکور را کماکان معتبر دانست. در غیر این صورت، وظیفه گروه مزبور میان تهی می‌شود. در این شرایط، برای اعمال مجازات انتظامی چاره‌ای جز مراجعه به قانون ۱۳۶۴ وجود ندارد! حضور یک حقوقدان می‌توانست تا حد مطلوبی خلا معین نبودن ضمانت‌اجراها را رفع کند.

نتیجه‌گیری

در راستای تبیین مقررات حوزه پژوهش مشخص می‌شود که مقررات از ابهام، خلا و تعارض و رسیدگی به مساله تخلف از نبود دادرسی عادلانه رنج می‌برند؛ وضعیتی که زیبنده دانشگاه، به‌عنوان مهد علم و عدالت‌گستری نیست. بدیهی است برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید مقررات حوزه پژوهش مورد بازبینی قرار گیرند. اما شاید به جرات بتوان گفت اقدامات پیش‌گیرانه حلقه مفقوده تلاش‌های صورت پذیرفته است، که نباید در بازبینی مقررات مغفول بماند. گستردگی این اقدامات به حدی است که از آموزش صحیح شروع می‌شود و با برخورد با برخی از رفتارهای زمینه‌ساز تخلف ادامه می‌یابد. هریک از آن‌ها اهمیت خود را دارند؛ در اهمیت آموزش همین بس که هیچ پژوهشی بدون آن به سرانجام مطلوب نمی‌رسد. در این میان روش‌شناسی تحقیق جایگاه خاص خود را دارد، چرا که پژوهشگر از شکل به ماهیت می‌رسد. تخلف‌انگاری رفتارهای زمینه‌ساز تخلفات پژوهشی نیز ظرافت خاصی، به‌ویژه در حوزه دانشگاه دارد. هرگونه افراط یا تفریط در این زمینه فضای آموزشی را ملتهب می‌سازد. تعادلی لازم است تا به شرایطی آرمانی دست یابیم. تعادل در این عرصه می‌طلبد معیارهای عینی برای تخلف‌انگاری مطمح‌نظر قرار گیرد تا واکنش ، وجدان‌های حقوقی را اقناع سازد. پذیرش امر آموزش با وجود عدم تخصص عضو هیات علمی نسبت به موضوع از جمله این معیارهاست. در این میان رفتارهایی ذهنی وجود دارند که می‌توان اندیشه ناروای متجلی شده فاعل را به کمک برخی رفتارهای عینی بعدی دریافت. تعارض منافع مخفی از این گونه رفتارهاست، که در پاره‌ای از موارد با در نظرگرفتن چندین موقعیت متجلی می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

فهرست منابع

اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱)، حقوق جزای عمومی، ج۱، چ ۷۰، تهران: میزان

زراعت، عباس، زراعت، محدثه (۱۴۰۰)، «استقلال دادرسی اداری؛ رسیدگی هم‌زمان در مرجع قضایی و اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ش۶.

زراعت، عباس (۱۳۹۲)، حقوق جزای اختصاصی ۲، جرایم علیه اموال و مالکیت، چ۳، تهران: جنگل.

بکاریا، سزار (۱۴۰۰)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چ۱۰. تهران: میزان.

سلیمی خورشیدی، فتاح (۱۳۸۳)، «سیری در دادرسی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به آراء دادگاه انتظامی سردفتران و دفتریاران»، نشریه کانون، شماره ۵۲.

شاکری، زهرا (۱۳۹۲)، «سرقت علمی و ضمانت اجراهای مقابله با آن؛ با تأکیدی بر مسئلهٔ تعامل سرقت علمی و نظام حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، ش۴.

شمس، عبدالله (۱۴۰۱)، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، چ ۴۴، تهران: دراگ، ج۱.

شیربگی، ناصر، کاوه‌ای، صدیقه (۱۳۹۱)، «بررسی نقش و رابطه نظارتی استاد راهنما و دانشجو از دیدگاه دانشجویان دوره کارشناسی ارشد»، مجله رویکردهای نوین آموزشی، ش۱.

صفایی، سیدحسین، حسینی، سید احسان (۱۴۰۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اشخاص و اموال، ج۱، چ۳۱، تهران: میزان.

القواعدالفقهیه نوشته مرحوم صدوق

کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰)، مقدمه علم حقوق، چ ۱۹، تهران: گنج دانش.

محسنی، فرید (۱۳۹۸)، جرم شناسی، تهران: نشر امام صادق.

محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۱)، قواعد فقه (بخش جزایی)، چ ۴۳، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

موذن‌زادگان، حسنعلی، رهدارپور، حامد (۱۳۹۷)، ««اصل شفافیت قانون» و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش۸۱.

مولائی، آیت، لطفی، حسن (۱۳۹۸)، «شکنندگی مرزها بین اصول احتیاط و پیشگیری»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش۶۰.

مهرا، نسرین، موذن، عباس، قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۶)، «تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، ش۲۰.

میرشمسی، محمدهادی، جلائیان دهقانی، حسام، تیموری، علی‌رضا (۱۳۹۳)، «ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری»، حقوق اسلامی، ش ۴۰.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]

میرکمالی، سید علی‌رضا، عباس‌زاده امیرآبادی، احسان (۱۳۹۳)، «تحلیل جرم جعل مفادی»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش۸.
میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۱)، حقوق جزای عمومی ۲ (مسئولیت کیفری)، ج۲، چ۲، تهران: دادگستر.
نجفی ابرندآبادی، علی حسین، گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۷)، «جرم‌شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، ش۲۳.
نکوئی، محمد (۱۳۹۹)، «اصل تناسب جرم و مجازات در قلمرو تخلفات اداری»، فصلنامه حقوق اداری، ش ۲۵.
نکوئی، محمد (۱۴۰۰)، «آسیب شناسی آراء هیأتهای رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان از منظر اصول دادرسی عادلانه (با تأکید برآراء دیوان عدالت اداری)»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره ۹،ش ۳.
نوربها، رضا، شیری، عباس، (۱۴۰۱)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: چ ۳، میزان.
نیکوئی، سمیه (۱۳۸۵)، «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، حقوقی دادگستری، ش۵۶ و ۵۷.
یاوری، اسدالله، یزدان‌مهر، محمد (۱۳۹۳)، «تاملی بر سیر تحولات تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری»، حقوق اداری، ش۵.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.61186/qjal.10.35.87]